

Development 1991

Journal of SID

- سهم زنان در توسعه
- مردان و زنان، دوشادوش هم

---

---

● مائورین اونیل ● ترجمه آ. زاهدی

---

---

مائورین اونیل در این مقاله افزایش سهم زنان در توسعه را در آستانه سال ۲۰۰۰ بررسی می‌کند. بحث او پیرامون این موضوع است که گرچه مردان و زنان با یکنواختی هم بازنشند ولی هنوز راه زیادی باقی مانده است که مشارکت برابر زنان با مردان در توسعه، تحقق یابد.

تنها ده سال از زمان تدوین استراتژی‌های اجرایی پیشرفت زنان در پایان کنفرانس دهه توسعه سازمان ملل در «نایروبی» گذشته است، هیچ تضمین و گواهی وجود ندارد که این استراتژی‌ها و منابع، برای عملی ساختن پیشرفت نقش زنان کافی باشند.

«مردان و زنان دوشادوش هم» می‌تواند عنوان این مقاله باشد، هرچند از

واقعیت دور است. واقعیت این است که زنان تنها نر از همیشه نبرد خود را ادامه می‌دهند. نه تنها به این دلیل که اغلب تصمیم‌گیران مرد هستند، بلکه به این دلیل که چشم‌انداز و توجهات بین‌المللی نیز چندان توجه خاص و مستقیمی به موضوعات برابری جنسی ندارند.

دهه توسعه سازمان ملل به خاطر انجام تحقیقات و ارائه آمار درباره موقعیت زنان ارزشمند است. مطابق اسناد ارائه شده در خود سازمان ملل و در طی گردهمایی‌های «کمسیون جایگاه زنان سازمان ملل» طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹، ۱۴۵۰ سند منتشر گردیده است.

این اقدامات به وضوح بر روی چهار گزارشی که اخیراً منتشر شده‌اند و نیاز به بهبود وضعیت بهداشت، آموزش، اشتغال و موقعیت قانونی زنان را تشریح می‌کنند، تأثیر گذاشته است: گزارش بانک جهانی در مورد sub-saharan آفریقا، گزارش توسعه انسانی ۱۹۱۰ UNDP، گزارش توسعه بانک جهانی و گزارش UNFPA از جمعیت سال ۱۹۹۰ جهان.

### ● زنان فاقد قدرت اجرایی

گزارش‌های فوق، انعکاس‌گفته‌هایی است که حداقل بیست سال است به وسیله «کمسیون جایگاه زنان سازمان ملل» مطرح می‌شود. این گزارش‌ها ثابت می‌کنند هنوز هم مردان و زنان در جهت رشد قابلیت تحمل و همبستگی، دوشادوش هم کار نمی‌کنند. یک تجزیه و تحلیل از وضعیت قدرت‌مداران سیاسی (خواه در رژیم‌های دموکراتیک و یا اشکال دیگر حکومت) نشان می‌دهد که زنان به ندرت جایگاهی در هیئت دولت و یا مشاوران ارشد سیاست‌گذاری را اشغال کرده‌اند.

جدول ذیل درصد زنان در مقام‌های وزارتی و چهار مقام ارشد تصمیم‌گیری اداری، برحسب منطقه را در سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد.

| منطقه                          | سطلع وزارنی | چهارمقام ارشد |
|--------------------------------|-------------|---------------|
| کشورهای سوبالیست و اروپای شرقی | ۴/۶         | ۳/۷           |
| آفریقا                         | ۲/۵         | ۳/۶           |
| آسیا و اقیانوس آرام            | ۱/۶         | ۲/۲           |
| آمریکای لاتین و جزایر کارائیب  | ۴/۱۰        | ۶/۱۰          |
| زویای غربی و سایر کشورها       | ۸/۹         | ۷/۵           |

منبع: کمیسیون جایگاه زنان

طبق گزارش UNFPA زنان هنوز در کشمکش‌هایی از «تقدیر به سوی آزادی» هستند.

### ● ما می‌دانیم مشکل چیست

«آماریتاسن» چالش اصلی توسعه انسانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «وسعت دادن زندگی‌های محدود اکثریت موجودات انسانی که خواه و ناخواه زندگی شرایط محیط هستند.» (مجله برنامه‌ریزی توسعه، ۱۹۸۹، صفحه ۵۵). «سن» بر مشخصات اصلی توسعه انسانی و خصوصاً بر زمینه «قابلیت‌ها» تأکید دارد، و ضمناً تأکید می‌ورزد که برخورداری از آزادی انتخاب یک نوع زندگی و ترجیح آن بر انواع دیگر یک نکته و مزیت فوق‌العاده مهم در نگرش به نابرابری زنان است. زنان هنوز گرفتار بیسوادی و آموزش ناکافی هستند، ولی هم‌چنان که «سن» خاطر نشان می‌کند «توانایی به کارگیری آزادی تا حد قابل توجهی مستقیماً وابسته به آموزش است» (مجله برنامه‌ریزی توسعه، ۱۹۸۹، صفحه ۵۵).

او بر بهداشت نیز تأکید می‌کند: «... بهداشت خوب فی‌نفسه یک موفقیت مهم به‌شمار می‌رود و به علاوه بر دو جنبه یعنی بازدهی بالاتر و افزایش توانایی استفاده از درآمدها و منابع جهت یک زندگی خوب موثر است.» (همانجا). بهداشت زنان به مراتب بدتر از مردان بوده است و تعداد زنانی که در حین زایمان می‌میرند وحشتناک است. در کشورهای فقیر خطر مرگ و میر در اثر بارداری

ممکن است تا یک در بیست مورد برسد. آموزش و بهداشت دو موضوع از موضوعات سه گانه دهه توسعه بودند. اشتغال زنان، یعنی سومین موضوع این دهه تصویر بسیار شومی را ارائه می کند.

«گای استندینگ» در گزارش ILO خاطر نشان کرده است که «مونث سازی جهانی» نیروی کار، تابع یک گرایش غالب شده است: «دهه ۱۹۸۰... با یک موج جدید از مونث سازی نیروی کار گر مشخص می گردد... انواع کار، روابط کار و درآمدهای مضمینی مرتبط با «کار زنان» گسترش یافته است، و این جریان نه تنها در افزایش قابل توجه مشارکت نیروی کار زن، بلکه در کاهش اشتغال مردان به تناسب جابجایی و یا زنانه شدن بسیاری از کارهایی که طبیعتاً مردانه محسوب می شده اند تاثیر گذاشته است. ارتباط تنگاتنگ این تغییر الگوها با تضعیف قوانین کار، نصادفی نیست. نوعی بی قانونی آشکار وجود دارد که به موجب آن، قوانین رسمی با استفاده از ابزارهای قانونی به تدریج فراموش و متروک می شوند، و نیز نوعی بی قانونی مطلق که به موجب آن، قوانین باقیمانده نیز به علت اجرای ناقص به طور سیستماتیک کم اثر می سازند. (استندینگ، ژوئن ۱۹۸۹، صفحه ۳)»

بنابر عقیده «آماریتاسن»، ما باید جهت بهبود سطح بهداشت و آموزش زنان، بر روی استعدادهای آنان سرمایه گذاری کنیم. اما روندی که استندینگ تشریح کرده است بیانگر آن است که جبران این عقب ماندگی کار آسانی نیست.

● دهه توسعه سازمان ملل چه تاثیری داشته است؟

● آیا دولت ها سرمایه ها را تلف کرده اند؟

واقعا سود و نتیجه این دهه برای زنان چه بود. سازمان هایی مثل «مرکز تربیون زنان در نیویورک» دریافته اند که درخواست کسب اطلاعات در مورد جوانب مختلف زندگی زنان، پنج سال پس از پایان دهه، افزایش مشخصی داشته است. مرکز تربیون زنان در نیویورک، مرکز ارتباطات بین زنان جهان سوم

و دیگر زنان علاقمند به موضوع نابرابری است. این مرکز، اطلاعات خلاصه و روشنی درباره گروه‌های مالی، اقتصادی و حقوقی زنان و کنوانسیون‌های قانونی سازمان ملل منتشر می‌کند. آن‌ها سالانه ۱۲۰۰۰ تقاضای کسب اطلاعات دریافت می‌دارند.

### • مروری بر جریان امور

در سال ۱۹۸۸ (پس از جلسه ۱۹۸۸ شورای اقتصادی - اجتماعی) تمام دولت‌ها با مرور تفصیلی جریان امور به منظور تعیین پیشرفت‌های حاصله در دهه توسعه موافقت کردند. این بررسی به جایگاه تشکیلات زنان در هر کشور و کلیه قسمت‌های سازمان ملل مربوط می‌شد. از دولت‌ها خواسته شده بود تا پرسش‌نامه‌هایی را تکمیل کنند. علاوه بر این در سال ۱۹۸۹ بررسی جهانی نقش زنان در توسعه انجام گرفت (سازمان ملل، ۱۹۸۹).

«کمیسیون جایگاه زنان» با ۴۵ عضو منتخب از میان دولت‌های عضو سازمان ملل وظیفه پیگیری اهداف توسعه را عهده‌دار شد. چندماه قبل آن‌ها سمینار مفصلی برای ارزیابی موفقیت در اجرای «راهبردهای آینده‌نگر» مصوب کنفرانس سال ۱۹۸۵ ناپروسی را برگزار کردند نتیجه مایوس‌کننده است. مدارک، نشان‌دهنده کاهش توجه دولت‌های ملی در این زمینه است. فقط ۵۵ دولت (از میان ۱۵۹ دولت) اسناد و پرسش‌نامه‌های مرور بر کارها را برای کمیسیون تکمیل کرده‌اند. از طرف دیگر نشانه‌های زیادی وجود دارد که سیستم سازمان ملل تمرکز کوشش خود را در بررسی وضعیت زنان افزایش داده است.

نرخ برگشت پرسشنامه‌ها نیز ناامید کننده بود. فقط ۲۶ درصد از کشورهای در حال توسعه، ۵۵ درصد از کشورهای توسعه یافته و فقط ۶۶ درصد از اعضای کمیسیون جایگاه زنان، پرسشنامه‌هایشان را بازگرداندند. به‌ویژه نرخ کشورهای افریقایی (۱۰ درصد) بسیار کم بود. «بخش رشد زنان» یعنی دبیرخانه کمیسیون در مورد این که چرا پاسخ‌ها تا این حد کم است هیچ توضیح

روشنی نداد.

این نرخ برگشت به طور چشمگیری کمتر از پرسشنامه‌های بسیار مشکل است که در سال ۱۹۸۵ در هنگام برگزاری کنفرانس جهانی به وسیله ۱۲۰ دولت پاسخ داده شدند. در سال ۱۹۹۰ و بدون برگزاری کنفرانس جهانی، همین کشورها آشکارا اولویت مشابهی را برای این مسئله قائل نشدند. کمیسیون همانند پرسشنامه‌ها، گزارشات تهیه شده به وسیله کشورهای امضاء کننده «کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان» را مرور کرد. اختلافات منطقه‌ای اساسی در تائید این کنوانسیون به چشم می‌خورد. شش درصد از کشورهای توسعه یافته هنوز آن را امضاء نکرده‌اند این نسبت برای آسیا و اقیانوس آرام ۵۸ درصد، و در آفریقا ۳۳ درصد است. در امریکای لاتین و جزایر کارائیب فقط ۱۴ درصد، آن را هنوز امضاء نکرده‌اند. عدم امضاء این کنوانسیون به وسیله بعضی از کشورها، نشانه دیگری از سطح پائین التزامات سیاسی است.

### • یافته‌های این بررسی چیست؟

در اجرای استراتژی‌های دهه توسعه تفاوت‌های منطقه‌ای قابل ملاحظه و در عین حال مورد انتظاری وجود داشت. کمیسیون منطقه‌ای ارزیابی‌های منطقه‌ای را ارائه کردند. مثلا کمیسیون اقتصادی آفریقا نوشته است: «اجرای استراتژی‌ها به آهستگی صورت می‌گیرد و عت آن فقدان منابع مائی و انسانی، فقدان خط‌مشی ملی و فقدان تعهدات لازم در بعضی از دولت‌ها است... حقیقتا موارد زیاد دیگری را هم می‌توان ذکر کرد، اما نکته اساسی این است که اگر دولت‌ها استراتژی‌های آینده‌نگر را اجرا کنند مجبور خواهند بود یک سری تعهدات جدی هم برای خود ایجاد کنند.» (کمیسیون جایگاه زنان ۱۹۹۰، صفحه ۲۸).

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام به مشکلات تجربه شده به وسیله تشکیلات زنان اشاره کرده است: «... این نکات اساسی در کشورهای در حال توسعه هم صادق بوده است. کشورهایی که با فقدان منابع و پرسنل، فرار

مغزها در سطح بالا، کمبود تعهد و علاقه پرسنل به مسائل زنان و فقدان پست‌های اجرایی و سیاسی برای فرموله کردن خط‌مشی‌های قدرتمند و عدم هماهنگی برنامه‌های مربوط به زنان در ارگان‌های مختلف دولت، مواجه هستند.» (کمیسیون جایگاه زنان، ۱۹۹۰، صفحه ۲۹).

اسکاپ نیز می‌گوید: «مانع اصلی بر سر راه‌هایی زنان، تاثیر بسیار نافذ عادات و گرایشات سنتی است که عمیقا در آنچه به عنوان سیستم پدرشاهی فنودالی خوانده می‌شود، ریشه دوانده‌اند. این مانع تقریبا در همه کشورها صرف‌نظر از سطح توسعه و سیستم اقتصادی - اجتماعی قابل مشاهده است. اثر این ارزش‌ها و گرایشات اجتماعی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به علت فقر تشدید می‌شود و در سطوح مختلف سرمایه انسانی در مقایسه مردان و زنان اثر می‌گذارد و مشاهده این امر هم وضعیت بسیار نابسامان و مداوم زنان در جامعه است. هم‌چنین مشاهده می‌شود که این وضعیت نابسامان زنان در مناطق روستایی بسیار سخت‌تر است (کمیسیون جایگاه زنان ۱۹۹۰، صفحه ۳۰).»

گزارش کمیسیون اقتصادی اروپا بر روی گرایشات اشتغال متمرکز است: «یکی از عمده‌ترین فاکتورهای پویایی دهه گذشته در رشد اشتغال، رشد سریع سهم زنان در نیروی کار بود... اما با این حال موقعیت آنان از نقطه نظر اشتغال در رده پایین‌تری از موقعیت مردان قرار داشت.» (کمیسیون جایگاه زنان، ۱۹۹۰، صفحه ۲۳).

کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و جزایر کارائیب ELAC تاکید می‌کند که: «منطقه امریکای لاتین و جزایر کارائیب در حال حاضر دچار بحران‌های اقتصادی - اجتماعی به مراتب سخت‌تر از پنجاه سال پیش است. یکی از آثار این بحران‌ها و بدهی‌ها کاهش روزافزون کیفیت زندگی مردم بوده است، که خصوصا تاثیر غم‌انگیزی بر روی شرایط زندگی زنان گذاشته است. تنزل وسیعی در سرمایه‌های تخصیص یافته برای اجرای سیاست‌های اجتماعی، خصوصا موارد مربوط به آموزش، بهداشت و مسکن به وجود آمده و رفاه اجتماعی مردم را

به شدت تحت تاثیر قرار داده است.» (کمیسیون جایگاه زنان، ۱۹۹۰، صفحه ۳۴).  
 علیرغم بحران‌های اقتصادی، کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و جزایر  
 کارائیب، به پیشرفت‌هایی در آموزش و پرورش و هم‌چنین برابری‌های قانونی  
 به‌ویژه برای زنانی از گروه‌های درآمدی بالاتر نیز اشاره می‌کند.

کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و حوزه کارائیب هم‌چنین بر اهمیت  
 مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی تاکید می‌کند: «... دخالت آن‌ها در یک  
 جنبش اجتماعی به صورت پیشنهاد تغییرات فرهنگی وسیع توأم با روش‌های  
 جدید سیاست‌گذاری متجلی می‌گردد.» (همانجا).

موقعیت ملان‌آور زنان غرب در گزارش کمیسیون اقتصادی اجتماعی غرب  
 آسیا نشریح شده است از جمله: «... ارزش‌های فرهنگی که از یک طرف بر  
 مادی‌گرایی تاکید می‌کنند و از طرف دیگر از زنان می‌خواهند به نقش تولید مثل  
 و پرورش کودکان خود بازگشته و دیگر نقش‌های مشارکت اجتماعی خود را  
 رها سازند.» (همانجا).

این گزارش متذکر می‌شود که در این منطقه از جهان اطلاعات کم و ناقص  
 است: «اطلاعات در مورد مشارکت زنان در این منطقه اغلب کم و نا کافی است،  
 اما در مقایسه همین اطلاعات با اطلاعات موجود دیگر درباره امور اجتماعی،  
 اقتصادی و قانونی در بسیاری از کشورها، مشاهده می‌شود که راهبردهای  
 آینده‌نگر قابل اجرا نیستند.» (همانجا).

کنوانسیون در واقع پذیرفته نشده است. در بسیاری از کشورهای عربی،  
 مشاغل درجه اول خاص مثل قضاوت و ریاست جمهوری و یا حتی مشارکت مقننه  
 کشور به موجب قانون برای زنان ممنوع شده است. در این کشورها قوانین ناقص  
 حفاظت کار، آهسته بودن روند بهبود سواد و نرخ بالای باروری «مالیات بزرگ  
 نقش بیولوژیکی زنان» است.

### • یک توجه دقیق تر

کمیسبوند، گزارش‌های ملی را نیز بررسی کرد و در یک تلاش آشکار برای توجه بیشتر به سال‌های باقیمانده از دهه توسعه، ۲۴ توصیه را ارائه نمود. مرور بعدی بر پیشرفت‌های این دهه، گزارشی از اجرای این توصیه‌ها خواهد بود.

### • از توصیه‌ها تا واقعیت

پیشرفت بسیار بطنی زنان در کشورهای در حال توسعه، علی‌رغم تحقیقات مستند و فراوانی که در مورد وضعیت نابرابری آنان صورت گرفته، چندان غیر منتظره نیست. قتل از هر چیز، در بسیاری از کشورها اختلاف آشکار بین درآمد زنان و مردان هم‌چنان وجود دارد. ضمانت اجرای قانونی، حقوق مالکیت و توجه برابر قانونگزاری، موضوعات بسیار جدیدی هستند. فقط از ده تا پانزده سال پیش است که زنان و مردان به تعداد مساوی به دانشگاه می‌روند، و دسترسی مساوی آن‌ها به مدارس حرفه‌ای بسیار نوظهور است. تعصب ذاتی، تاریخی و فرهنگی علیه زنان بسیار عمیق است. یک تعبیر روشنفکرانه از چگونگی تأثیر مضر چنین تعصبی بر روی کل جامعه این است که راه برای تغییر باز است، اما این تغییر به سرعت صورت نمی‌گیرد. کشورهایی که زنان در آن‌ها بیشترین پیشرفت را داشته‌اند، کشورهای شمال هستند (کشورهایی که زنان بهترین حضور در سیاست‌ها داشته‌ند و شانس زندگی آن‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی تقریباً به خوبی مردان بوده است) در این کشورها بازار، پیوند موفقی با رفاه عمومی داشته است و توسعه انسانی یک اولویت بارز برای دولت بوده است.

در کشورنال در حال توسعه نیز اولین گام برای پیشرفت زنان نیازمند یک خط‌مشی ملی است که نیازهای ناشی از فقر را برآورده سازد و زیرساخت‌های اجتماعی خوبی را ایجاد نماید. علاوه بر این باید تمرکز صریح بر روی سیاست‌های کاهش نابرابری‌ها علیه زنان بوجود آید. سنیز گروه‌های زنان برای دستیابی به حقوق‌شان در تمام کشورها وجود دارد. زنانی که کار می‌کنند و زنانی که برای به دست آوردن کار تلاش می‌کنند تا بتوانند خود را از قید

محرومیت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و طبقاتی رها سازند و در بعضی از کشورها، زنان زندگی‌شان را بر سر به دست آوردن این حقوق به مخاطره می‌اندازند.

بهبود جایگاه زنان و آزادسازی، آنان واقعا یک مشکل و سنوالتکنیکی نیست. این موضوع به ماهیت فرهنگ‌های ما مربوط می‌شود و این فرهنگ‌ها باید تغییر یابند، چون در غیر این صورت زنان از قید جهالت‌هایی که آنان را ضعیف و فقیر نگه داشته آزاد نخواهند شد. تغییر سیاست‌ها نتیجه یک مجادله و نفاذی گسترده وضعیت موجود خواهد بود. به علاوه در جوامعی که حقوق بشر و آزادی‌های مدنی رعایت می‌شوند، اختلاف عقیده مجاز است و اتباع و شهروندان در عقایدشان آزادند، طبعا انتظار پیشرفت زنان بسیار آسان‌تر و امکان‌پذیرتر است. در حال حاضر علاقه به کنترل رشد جمعیت باردیگر تجدید شده است. به قول «سن» به خوبی فهمیده شده است که گسترش استعداد‌های زنان و افزایش قدرت‌شان موجب آزادی انتخاب هرچه بیشتر آنان خواهد شد. با دادن آزادی انتخاب (و دسترسی به ابزار لازم) زنان دارای فرزندان کمتری خواهند شد. ضرورت این موضوع مدنی است که تقریبا برای همه روشن شده است. بنابراین شکست در غسلی ساختن آن صرفا باید به این عنوان تعبیر شود که نمی‌خواهیم کنترل بیشتر زنان بر زندگی خودشان را بپذیریم. هیچ عامل خارجی (مانند آژانس بین‌المللی زنان) نمی‌تواند کاری بیش از پیشنهادات تشویقی جهت دسترسی به منابع انجام دهد. این منابع هم حاشیه‌ای خواهند بود. به این ترتیب فقط سیاست‌های ملی است که در انجام چنین کار بزرگی جایگاه اصلی را داراست. البته سیاست‌های بازرگانی کشورهای توسعه‌یافته و نیز کاهش بدهی‌های کشورهای در حال توسعه، تاثیر بسیار عمیقی در این زمینه خواهد داشت.

### • اتحاد و یکپارچگی زنان

هنوز پیوندهای بین‌المللی میان زنان NGOS که برای برابری مبارزه

می‌کنند بسیار کم است. پیوندهای منطقه‌ای در حال رشد است و پیوستگی‌های بین‌المللی زنان محقق آغاز شده است. نمونه‌هایی از این موضوع «شبکه پژوهش زنان آسیای جنوبی» و «توسعه گزینه‌های زنان برای عصر جدید» است. در این حال گردهمایی اکتبر ۱۹۹۰ وزرای امور زنان کشورهای مشترک‌المنافع، فرصت بسیار مهمی را ایجاد کرد تا سازمان‌های غیر دولتی ما با درس گرفتن از این گردهمایی، همانند دولت‌های حاضر در آن برای جستجوی شیوه‌های جدید هماهنگی با NGOs جهت سازماندهی برنامه‌های موثر توسعه برای زنان دست به تلاش بزنند. تسهیل ارتباطات بین زنان در حال مبارزه برای برابری، یکی از جنبه‌های فوق‌العاده مثبت کار سازمان ملل بوده است. در سال ۱۹۸۵ در نایروبی ۱۴۰۰ زن در اجلاس NGOs جمع شدند. زنان شمال و جنوب دستورالعمل‌های جالب توجه مشابهی را دریافت کردند.

در کشورهای توسعه یافته زنان فعال در NGOs اغلب هیچ نقشی در مبارزه زنان خانه‌دار برای کسب حقوق برابر، حقوق مالکیت برابر، کسب اعتبار، امکان سقط جنین، مخالفت با خشونت در خانواده، تغییر در تجاوزات قانونگزاری و غیره ایفا نمی‌کنند و زنان درگیر در این مبارزات می‌هم اغلب هیچ گونه تماسی با زنان کشورهای در حال توسعه ندارند (مگر آن که به اندازه کافی خوش شانس باشند که به اعلامیه‌های دهه توسعه دعوت شوند). این گونه ارتباطات می‌باید ایجاد شده و گسترش یابند. «سازمان بین‌المللی حفاظت از حقوق زنان» با استفاده از کنوانسیون، حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل به تغییر در قوانین و خط‌مشی‌های موثر در جایگاه زنان، استناد می‌جوید، آن را تجزیه و تحویل می‌کند و رواج می‌دهد. و بالاخره با توجه به عنوان این مقاله یعنی «مردان و زنان دوشادوش هم» تاکید این نکته ضروری است که مبارزه زنان در راه کسب حقوق و شرکت موثر در توسعه جامعه، نیازمند حمایت مردان است تا شرایط انسانی به خوبی بهبود یابد. مردان و زنان باید شریک هم باشند، اما شرکایی با سهم مساوی. که البته هنوز زنان از چنین چیزی محرومند. ■